

کارکردهای ترمیمی پلیس در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان

ابراهیم رجبی تاج امیر^۱، ایمان امینی^۲، حسین محمدی^۳، مجید محمودلی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۹

چکیده

زمینه و هدف: عدالت ترمیمی در علوم جنایی، بیانگر تحول نگاه به مفاهیم بزه، بزهکار، بزه‌دیده و به دنبال ارتقای جایگاه بزه‌دیده، بزهکار و اعضای جامعه محلی در فرآیندهای کیفری است. در این میان، توجه به اطفال و نوجوانان آسیب‌پذیر و بررسی نقش پلیس به عنوان متولی امنیت جامعه، بسیار حائز اهمیت است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، بررسی کارکردهای ترمیمی پلیس در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان است.

روش: این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی و از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش کارکنان دایره خدمات قضایی، واحد مشاوره و مددکاری، واحدهای گشت کلاتری و فوریت‌های پلیس ۱۱۰ در کلاتری‌های یازده‌گانه سرکلاتری دوم فرماندهی انتظامی تهران بزرگ بودند که از میان آنها، براساس رابطه کوکران، تعداد ۱۶۵ نفر به عنوان حجم نمونه با روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای بود که روایی آن با کسب نظر از اندیشمندان علوم اجتماعی، حقوق، جرم‌شناسی و انتظامی احراز و پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۳ محاسبه شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از آماره‌های توصیفی و آزمون‌های آماری انجام شد.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که به ترتیب، کارکرد واحدهای مشاوره و مددکاری، گشت‌های کلاتری، فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ و دایره خدمات قضایی، در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان، بیشتر مؤثر بوده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از نقش مؤثر کارکردهای ترمیمی گشت‌های کلاتری و فوریت‌های ۱۱۰ در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان است. همچنین تأثیرگذاری کارکردهای ترمیمی واحد مشاوره و مددکاری و نیز دوایر قضایی پلیس در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان محرز شد.

کلیدواژه‌ها: عدالت ترمیمی، پلیس، بزه‌دیدگی، بزهکاری، اطفال و نوجوانان.

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم انتظامی امین. رایانامه: rajabi.1313@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین. (نویسنده مسئول). رایانامه: imanamini929@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد پیشگیری از جرم، دانشگاه علوم انتظامی امین. رایانامه: hmohamadi273@yahoo.com

۴. دانشجوی دکتری مدیریت پیشگیری از جرم و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین. رایانامه: navid_18@ymail.com

مقدمه

ظهور عدالت ترمیمی حاصل تحول در نگرش نسبت به عدالت کیفری است (فرهمند، ۱۳۹۶، ص ۱۰) بی‌تردید توجه به آموزه‌های عدالت ترمیمی در سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی از رهگذر کیفرزدایی، برکات زیادی نصیب عدالت کیفری خواهد کرد. یکی از جنبه‌های مهم که در حمایت از کودکان بزهکار و بزه‌دیده نقش دارد، دادرسی ویژه کودکان شامل مراحل مختلف (پلیس، دادسرا، و دادگاه) است. نهاد پلیس یا ضابطان دادگستری از جمله نهادهای نظام عدالت کیفری است که در طول دادسرا قرار دارد (هدایت، ۱۳۹۶، ص ۱۲). مرحله پلیسی یکی از مراحل مهم نظام عدالت کیفری است که اهمیت بسیاری در زمینه رسیدگی به امور اطفال و نوجوانان دارد زیرا اولین مواجهه اطفال و نوجوانان در صورت وقوع بزه، با پلیس صورت می‌گیرد و نحوه صحیح رفتار پلیس می‌تواند نقش موثری در جامعه‌پذیری اطفال و نوجوانان و پیشگیری از بزه‌دیدی و بزهکاری آنان داشته باشد. از طرفی این عقیده که اطفال و نوجوانان آینده‌سازان و سرمایه‌های انسانی هر جامعه محسوب می‌شوند اهمیت نقش پلیس را دوچندان می‌کند. به همین دلیل نقش پلیس و نحوه تصمیم‌گیری او در برخورد با این افراد بسیار حائز اهمیت است (یاراحمدی، ۱۳۹۶، ص ۷۸).

تفاوت‌های بنیادین زیادی از لحاظ جسمانی، عقلانی، ادراکی، احساسی، عاطفی، روحی و روانی بین اطفال و نوجوانان با بزرگسالان قابل مشاهده است. به دلیل این‌که دایره تمرکز این افراد محدود است قادر به درک روابط بین اجزای یک موضوع با دیگر موضوعات نیستند (هازل^۱، ۲۰۰۸). ساختار پلیسی یکی از شاخص‌ترین و برجسته‌ترین مراحل نظام عدالت کیفری است. خدمات پلیس که جنبه حمایتی فوری دارند، لازمه و پیش شرط درک و تصویر صحیح و مثبت از نظام عدالت کیفری است و سنجش میزان توانایی یا اقتدار و

ضعف یک دولت، به عملکرد پلیس بستگی دارد. پلیس اولین مکانی است که کودکان برای کمک گرفتن مراجعه می‌کنند و با نیروهای پلیس مواجه می‌شوند و ارائه مساعدت و خدمات از طرف این نهاد را محق می‌دانند. حق دسترسی کودکان بزه‌دیده و در معرض خطر به فرآیند عدالت کیفری به دور از تبعیض نژادی، زبان، جنسیت در ماده ۱۵ اصول راهبردی درباره عدالت برای کودکان (شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد) مصوب ۲۰۰۴ به رسمیت شناخته شده است (هدایت، ۱۳۹۶، ص ۶۶)؛ بر همین مبنا بسیاری از کشورها به پیروی از تأکیدات و توصیه‌های اسناد بین‌المللی مبنی بر «تأسیس پلیس ویژه اطفال و نوجوانان»، با رویکرد ترمیمی اقدام به وضع قوانین مربوطه در این حوزه کرده‌اند. آنچه امروزه موجب نگرانی حامیان اطفال و نوجوانان را در ایران و دیگر جوامع بشری برانگیخته، افزایش نرخ بزه‌دیدگی، بزهکاری و بروز رفتارهای انحرافی از سوی این افراد، انعکاس این رفتارها در سطوح بین‌المللی و ملی و پایین آمدن میانگین سن بزهکاری است. با توجه به اینکه اطفال و نوجوانان در هر کشوری جزو آینده‌سازان جامعه و سرمایه‌های ارزشمند انسانی محسوب می‌شوند بنابراین روند افزایشی ارتکاب بزه از سوی آنان، کاهش میانگین سن بزهکاری و تکرار این نوع رفتارها نیازمند توجه و پیگیری جدی مسئولان امر در همه سطوح، دستگاه‌ها و حوزه‌ها اعم از قضایی، انتظامی و اجرایی است. در حال حاضر بالغ بر ۲۶/۳۹۴/۰۰ نفر یعنی ۳۷/۴۶ درصد جمعیت ایران را افراد کمتر از ۱۸ سال تشکیل می‌دهند و از این تعداد ۲۵/۰۸ درصد کمتر از ۱۴ سال سن دارند (بارانی و کشفی، ۱۳۹۱، ص ۱۶). با توجه به معایبی که نظام رسمی رسیدگی و اعمال مجازات در عدالت کیفری مانند برچسب خوردن و همنشین شدن با افراد نامناسب دارد، روش‌های ترمیمی به خصوص در جرائم کودکان و نوجوانان مناسب‌ترین پاسخ به نظر می‌رسد زیرا در این دیدگاه بزهکار دشمن تلقی نمی‌شود بلکه او یکی از اعضای جامعه است که به لحاظ شرایط خاص خانوادگی، تربیتی و اجتماعی به انحراف کشیده شده است و عدالت ترمیمی در این میان به دنبال اصلاح و ترمیم روابط خدشه‌دار شده اجتماعی است. پلیس به عنوان یکی از

سازمان‌هایی که نقش مهمی در قبال اطفال و نوجوانان قبل و بعد از وقوع بزه دارد، با رویکردهای متفاوتی از منظر ترمیمی از جمله میانجی‌گری و با کمک و مشارکت مردم به حل مسئله با توسل به شیوه‌های مشارکتی و مسئولیت‌پذیرانه اقدام و درصدد جبران مافات برمی‌آید تا علاوه بر جبران مادی به ترمیم لطمات روحی بزه‌دیده و بزهکار نیز مبادرت ورزد. بر همین اساس و با وجود سکوت قانون ولی با تدابیر درون سازمانی، دوایر مشاوره و مددکاری در کلانتری‌های سراسر کشور راه‌اندازی شد تا با بهره‌گیری از افراد متخصص به حل مسائل پیش‌گفته بپردازند. بنابراین پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که کارکردهای ترمیمی پلیس به چه میزان در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان موثر است؟

پیشینه: اشرفی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در دادرسی کیفری ایران» به این نتیجه رسیده است که بیشتر توصیه‌ها و ملاحظات مربوط به اسناد بین‌المللی و حتی مقررات داخلی در رفتار پلیس با اطفال و نوجوانان بزهکار و بزه‌دیده تجلی پیدا نکرده است. درویشی و جلیلیان (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان «میانجی‌گری کارآمدترین روش حل اختلاف برای تحقق عدالت ترمیمی» به این نتیجه رسیدند که توجه روزافزون صاحب‌نظران، حقوق‌دانان و دانشگاہیان به استفاده از روش‌های جایگزین حل اختلاف و الگوی عدالت ترمیمی مانند قضا‌زدایی، کیفرزدایی و همچنین جامعیت برنامه اصلاح ذات‌البین از منظر فقه اسلامی و قابلیت تطبیق برنامه‌ها و شیوه‌های عدالت ترمیمی به عنوان یکی از کارآمدترین روش‌های جایگزین حل اختلاف باعث شده نه تنها مردم بلکه قانون‌گذاران و دولتمردان نیز این راهکار کلیدی حل فصل دعاوی را مدنظر قرار دهند. بارانی و یاراحمدی (۱۳۹۴) در مقاله «ارزیابی اصولی عدالت ترمیمی در میانجی‌گری پلیس»، با مطالعه در کلانتری‌های تهران به این نتیجه رسیدند که اصل قانونی بودن، اصل مشارکت، اصل ادغام بزهکار در جامعه و اصل استقلال میانجی‌گری از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. رایجیان اصلی (۱۳۹۴) در مقاله «نقش و کارکرد واحدهای

مشاوره و مددکاری نیروی انتظامی در پیشگیری از جرم از طریق تدابیر عدالت ترمیمی» نقش و کارکرد واحدهای مشاوره و مددکاری کلانتری را در پیشگیری مبتنی بر شیوه‌های ترمیمی موثر ارزیابی کرده است. بارانی (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان «شیوه‌های رفتاری پلیس با کودکان و نوجوانان» با استدلال ویژگی‌های متمایز جسمانی، عقلانی، روحی و روانی، احساسی و عاطفی کودکان و نوجوانان، ضرورت بکارگیری رویکردی با کارکردهای ترمیمی در پلیس را بیان و شیوه‌نامه رفتاری پلیس با کودکان در تماس با قانون را تدوین کرده است. محمدی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی اهمیت اجرای عدالت ترمیمی در کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها» بیان کرده است که نقش پلیس در راستای اجرای عدالت ترمیمی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقش‌هاست زیرا تعامل و حضور پلیس از ابتدا تا انتهای پرونده‌های بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان از دیگر سازمان‌ها و نهادها پررنگ‌تر است. پلیس می‌تواند در جریان قبل و بعد از بزه‌دیدگی و بزهکاری با اجرای روش‌های ترمیمی مانند میانجی‌گری، وظیفه مهمی را در اجرای عدالت ترمیمی ایفا کند. فتح‌الهی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «پلیس و شیوه‌های نوین پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان در چند کشور جهان» نوشته است که در تمام ۱۲ کشور مطالعه شده، ساختار پلیس به گونه‌ای تعریف شده که یکی از وظایفش پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان است. حیدری و صفری (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان «جایگاه پلیس در حمایت از اطفال بزه‌دیده» به این نتیجه رسیده‌اند که برای جلوگیری از هرگونه برخورد نامناسب با کودک بزه‌دیده و بزه‌دیدگی ثانویه، پلیس ویژه کودکان تشکیل و از ویژگی‌های ذاتی پلیس زن برای برقراری ارتباط بهتر با کودکان بزه‌دیده استفاده شود.

کستوتیس^۱ (۲۰۱۳) در نتایج حاصل از پژوهشی با عنوان «فعالیت بخش‌های پیشگیری پلیس عمومی در راستای جلوگیری از بزهکاری کودکان» نوشته است: در صورتی که پیشگیری عمومی از بزهکاری نوجوانان انجام پذیرد این نوع فعالیت‌های پیشگیرانه با

استقبال و تأیید عمومی مواجه خواهد شد. بازدهی و اثربخشی این اقدامات تا حدود زیادی تحت تأثیر برخی از عوامل کاهش پیدا می‌کند. تراکم کار زیاد، فقدان زمان لازم برای انجام اقدامات کیفی، کمبود کارکنان و منابع مالی، ناکافی بودن همکاری نهادهای اجتماعی، مشارکت محلی ضعیف، نقص در کیفیت بروزرسانی عملکردها، ناکافی بودن میزان دستمزدها به نسبت حجم کار و در نتیجه کاهش انگیزه مأموران پلیس از جمله این عوامل هستند. تکستر^۱ (۲۰۱۰) در مجله علوم اجتماعی پژوهشی را با عنوان «تهدید سایبر: چالش‌ها و راهکارهای پیش روی افسران پلیس ویژه اطفال و نوجوانان» در اداره پلیس ایالت‌های وست ویرجیا و ماسوچوست آمریکا با روش مطالعه اسنادی با هدف بررسی چالش‌های مهم پلیس در قبال اطفال و نوجوانان در ارتباط با بزه‌دیدی و بزهکاری اطفال و نوجوانان از طریق ارتباط آنان با جرائم سایبری به انجام رسانده است. نتایج حاصله نشان می‌دهد افسران پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در ارتباط با پیشگیری از بزه‌دیدی و بزهکاری و تهدیداتی که از طریق جرائم سایبری وجود دارد از طریق پلیس مدارس، یک رویکرد آموزشی را پیش رو گرفته و دانش‌آموزان و والدین آنان را در این رویکرد دخالت داده‌اند. وین فری^۲ (۲۰۰۴) در مقاله‌ای با عنوان «پلیس نیوزلند و عدالت ترمیمی»، نقش پلیس به عنوان میانجی‌گر در عدالت ترمیمی را بررسی کرده است. در این مقاله پلیس ملی استرالیا و دانشگاه ملی استرالیا طرحی را با موضوع میانجی‌گری در میان جوانان کمتر از هجده سال با جرائمی مثل رانندگی در حین مستی، سرقت از منازل مسکونی، سرقت از مغازه‌ها و ایراد صدمات بدنی عمدی اجرا کردند. نتایج نشان داد که نقش پلیس به عنوان میانجی‌گر، اثر قابل توجهی در کاهش جرم داشته است. بریجز و مریت^۳ (۱۹۹۴) پژوهشی با عنوان «آزادی عمل پلیس در برخورد با نوجوانان بزهکار» را در دانشگاه ایالتی پورتلند از طریق مشاهده عملکرد پلیس در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار با طرح این پرسش اصلی

که «معیار تعیین کننده و عوامل موثر بر رفتار پلیس در قبال نوجوانان بزهکار چیست؟» انجام دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد که پلیس بنا به دلایلی، در حد بالایی بر اساس صلاحدید خود در تعیین سرنوشت یک نوجوانان بزهکار دخالت موثر می‌کند.

مبانی نظری: عدالت ترمیمی، ترجمان مجموعه اصول، روش‌ها، اهداف و عناصری است که تلاش می‌کند بین منافع بزه‌دیده، جامعه و نیاز به بازپذیری اجتماعی بزهکار توازن و تعادل ایجاد کند و می‌کوشد که ترمیم و بهبود وضعیت بزه‌دیده را تا حد امکان عملی ساخته و در این مسیر تمام اشخاصی را که به نحوی در پدیده مجرمانه نفعی دارند (مانند بزه‌دیده، بزهکار و وابستگان، نمایندگان جامعه و مقامات عدالت کیفری) به مشارکت فعال و سازنده برای ایجاد چنین توازنی فراخواند (رایت^۱، ۲۰۰۲) منظور از مفهوم عدالت ترمیمی در این پژوهش، کارکردهای ترمیمی واحدهای پلیس در سطح کلانتری و پاسگاه‌های پلیس پیشگیری نیروی انتظامی در زمینه پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان است.

طفل: ماده یکم کنوانسیون حقوق کودک مصوب سال ۱۹۸۹^۲ می‌گوید: «از نظر این کنوانسیون منظور از کودک، افراد انسانی زیر ۱۸ سال است مگر آنکه طبق قانون قابل اجرا درباره کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود». در این تعریف معیار تعیین شده سن هجده سال تمام است. برخی حقوق‌دانان نیز بدون اینکه تفکیکی برای تعریف اطفال و نوجوانان قائل شوند به این صورت به بیان تعریف این افراد پرداخته‌اند: «منظور از کودک و نوجوان در حقوق کیفری، فردی است که فاقد شرایط روحی، ذهنی، جسمی و اجتماعی برای پذیرش مسئولیت یا مسئولیت کامل در پاسخگویی نسبت به نقض قوانین کیفری است» (موزن‌زادگان، ۱۳۸۷، ص ۱۶۳).

1. Wright

۲. قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک در تاریخ ۷۲/۱۲/۱، مشروط بر آن که چنانچه مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نباشد، به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ ۷۲/۱۲/۱۱ به تأیید شورای نگهبان رسید.

نوجوان: در شق الف بند ۳-۲ ماده ۲ حداقل قواعد معیار سازمان ملل متحد برای اجرای عدالت نوجوان (قواعد پکن) مصوب سال ۱۹۸۵ در تعریف نوجوان آمده: نوجوان، کودک یا شخص جوانی است که ممکن است با وی برای تخلفی در چارچوب نظام‌های مربوطه به نحوی متفاوت از یک بزرگسال رفتار شود. مطابق قانون «کودکان و نوجوانان و خانواده‌هایشان» مصوب سال ۱۹۸۹ نیوزلند، نوجوان به دختر یا پسر اطلاق می‌شود که سنش بین ۱۴ تا ۱۷ سال باشد. در قوانین داخلی ایران تعریف مشخصی از نوجوان ارایه نشده و این عنوان در قوانین کیفری بعد از انقلاب برای اولین بار در قانون دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ و قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ وارد شد به طوری که در قوانین گذشته، فقط به لفظ اطفال بسنده شده است. گفتنی است که در هیچ یک از قوانین ایران تعریف مشخصی از نوجوان ارائه نشده و تنها هر جا سخن از طفل به میان آمده لفظ نوجوان نیز پس از آن بیان شده است. با توجه به این که قانون‌گذار، سن اطفال را بین ۹ تا ۱۵ سال تعیین کرده است و کلیه جرائم اشخاص زیر ۱۸ سال را برعهده دادگاه‌های اطفال گذاشته، به نظر می‌رسد افراد بین ۱۵ تا ۱۸ سال را می‌توان به عنوان نوجوان تلقی کرد. با این اوصاف در برخی از قوانین و اسناد بین‌المللی، داخلی و نوشته‌های مرتبط با اطفال و نوجوانان، کلمه «کودک» مترادف با «اطفال و نوجوانان» آورده شده است. در این پژوهش منظور از اطفال و نوجوانان، آن دسته از گروه‌های سنی زیر ۱۸ سال هستند که واحدهای تابعه در سطح کلانتری‌های حوزه سرکلانتری دوم فرماندهی انتظامی تهران بزرگ با آنها با عنوان اطفال و نوجوانان بزهکار و یا بزه‌دیده برخورد دارد.

میانجی‌گری: بزه‌دیدگان و بزهکاران، با رهبری یک میانجی یا تسهیل‌کننده، برای گفتگو درباره آنچه اتفاق افتاده و نیز درباره آنچه برای تصحیح و راست گردانیدن امور باید صورت گیرد توانا می‌شوند. یکی از الگوهای شناخته شده در این خصوص «میانجی‌گری میان بزه‌دیده - بزهکار» است. این برنامه معمولاً مستلزم مشارکت یک بزه‌دیده، یک بزهکار و یک میانجی یا تسهیل‌کننده است (غلامی، ۱۳۸۵، ص ۸). واژه میانجی‌گری در دو معنا به

کار می‌رود: ۱. وساطت بین دو طرف متخاصم به منظور عفو طرف متجاوز به وسیله قربانی یا زیان‌دیده یا به منظور رفع اختلاف و ایجاد صلح و سازش بین آن دو و ۲. وساطت نزد حاکم (قاضی) به سود مجرم و گناهکار به منظور عفو و بخشش خطای او یا تخفیف در مجازات وی. در زبان عرب، واژه (شفاعت) در معنای دوم میانجی‌گری بکار رفته است (نجفی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۱).

میانجی‌گری مستقیم: در میانجی‌گری مستقیم بزه‌دیده و بزه‌کار با هم به طور مستقیم مواجه می‌شوند و در این رویارویی، احساسات و تجربیات خود را از وقوع جرم بیان می‌کنند. در این نوع میانجی‌گری، میانجی‌گر نقش کمتری دارد و طرفین این امکان را دارند که خودشان نحوه گفتگو را تعیین کنند، قضاوت شخصی بهتری از هم پیدا کنند، خودشان به طور مستقیم صحبت کنند و از نظر روانی بیشتر ارضا شوند (غلامی، ۱۳۹۰، ص ۳۸). پلیس به عنوان نهادی که به طور مستقیم با رخداد بزه در ارتباط است، باید بیش از سایر نهادهای جامعه محلی، پاسخگوی کاستی‌های مربوط به اجرای برنامه‌های میانجی‌گری کیفری باشد. از جمله نهادهایی که می‌تواند در این زمینه بسیار موثر واقع شود واحد مشاوره و مددکاری اجتماعی پلیس است. از جمله فواید میانجی‌گری مستقیم در این واحدها ایجاد فضای آرام و حمایتی نسبت به بزه‌دیده و بزه‌کار است که سبب می‌شود طرف‌های بزه نسبت به خسارت‌ها و آثار روحی و روانی ناشی از آن آگاهی پیدا کرده و با مشارکت موثر در فرآیند میانجی‌گری مستقیم نسبت به رعایت متقابل حق خود اقدام کنند. از پیامدهای میانجی‌گری مستقیم، در واحدهای مشاوره و مددکاری این است که نقش پلیس (میانجی‌گر) در این میانجی‌گری کم‌رنگ‌تر است و طرفین با یکدیگر قصد صحبت کردن و برآورده کردن خواسته‌های خود را دارند و گفتگوهای طرفین تعیین‌کننده است نه صحبت‌های پلیس.

میانجی‌گری غیرمستقیم: نوعی مذاکره غیرحضوری و انعطاف‌پذیر برای حصول به یک توافق دوجانبه در میانجی‌گری غیرمستقیم رخ می‌دهد. توافقی که بین طرفین در این نوع

میانجی‌گری رخ می‌دهد نتیجه فرآیند محدود به ترمیم عملی خسارت وارده و عذرخواهی از جانب بزهکار است (حسینوند، ۱۳۹۴، ص ۵۲).

میانجی‌گری قضایی - پلیسی (درون سیستمی): در این مدل از میانجی‌گری، میانجی متعلق به جامعه مدنی نیست بلکه دارای مقام رسمی و به نوعی دارای وابستگی به نهادهای رسمی و دولتی است. میانجی‌گری قضایی با مداخله میانجی‌گر متخصص و براساس ضوابط از پیش تعیین شده و به شکل قاعده‌مند، در خارج از فرآیند معمول رسیدگی است که در آن میانجی‌گر اقدام به حل و فصل مسائل ناشی از جرم، بین بزه‌دیده و بزهکار می‌کند. زمانی که پلیس در صحنه جرم حضور پیدا می‌کند، قانون‌گذار پلیس را موظف به حفظ آلات و ادوات، آثار و علائم جرم کرده و باید اقدامات یادشده را بلافاصله به اطلاع مقام قضایی برساند. آنچه در مأموریت‌های پلیس، به ویژه در گشت‌های انتظامی صورت می‌گیرد از این دست است. مأموران در گشت‌های خود به جرائمی برخورد می‌کنند که از جمله جرائم مشهود بوده و موظف به انجام فعالیت‌های مطرح شده هستند (غلامی، ۱۳۹۰، ص ۴۳).

پرسش این است که آیا پلیس در مواجهه با کلیه جرائم مشهود باید بلافاصله مقام قضایی را مطلع کند؟ در جواب می‌توان به دسته‌بندی جرائم به کم اهمیت و با اهمیت توجه کرد. این که مقام قضایی باید در جریان تمام جرائم حتی جرائم غیر مهم و کم اهمیت نیز قرار گیرد و تصمیم‌گیری کند، هم از نظر منطقی و هم از نظر عملی غیرممکن خواهد بود. به همین منظور، پلیس در انجام مأموریت‌های خود در جرائم غیر مهم و کم اهمیت که جنبه عمومی آنها بسیار ضعیف‌تر از جنبه خصوصی و شخصی آن است، در واقع به عنوان یک میانجی وارد عمل شده و سعی در حل و فصل و سازش بین طرفین می‌کند. در این روش، پلیس شرکت‌کنندگان در پدیده مجرمانه را وارد فرآیند رسیدگی قانونی نمی‌کند و با میانجی‌گری خود و البته با توجه به اوضاع و احوال و تا اندازه‌ای توجه به نظر بزهکار و بزه‌دیده و همراهی افراد حاضر در صحنه و کمک از دیگر میانجی‌گران و شرکت‌کنندگان، موضوع را با مصالحه به پایان می‌رساند (دالوندی، ۱۳۸۸، ص ۵۶).

نظریه کنترل اجتماعی: معروف‌ترین و جامع‌ترین نظریه مربوط به کنترل اجتماعی بزهکاری توسط تراویس هیرشی^۱ در سال ۱۹۶۹ ارائه شد. براساس این نظریه هرچقدر وابستگی انسان به گروه‌های اجتماعی همانند خانواده، مدرسه و همسالان بیشتر باشد، کمتر مرتکب اعمال بزهکارانه می‌شود. به عبارت دیگر بزهکاری حاصل گسستی است که در علقه‌ها، ارتباطات و وابستگی‌های اجتماعی ایجاد می‌شود. این علقه‌ها ابعاد مختلفی دارند؛ مهمترین عنصر این علقه‌ها و ارتباطات «وابستگی عاطفی» یعنی داشتن محبت و علاقه نسبت به دیگران است. همین عنصر وابستگی عاطفی است که برای درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها ضروری است. این عنصر در حقیقت بیانگر این است که هرچه میزان پیوستگی‌ها و پیوندهای انسان نسبت به افراد مهم دیگر مثل والدین، دوستان یا نهادها همانند مدرسه و باشگاه بیشتر باشد، کمتر مرتکب جرم می‌شود. دومین عنصر در نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، عنصر «تعهد یا پایبندی» است که نشان‌دهنده میزان سرمایه‌گذاری فرد در جامعه و همچنین میزان خطری است که فرد به هنگام درگیری در رفتار مجرمانه قبول می‌کند. عنصر سوم «درگیری» با فعالیت‌های مثبت و رایج است. افرادی که اغلب درگیر فعالیت‌های رایج هستند، فرصت و وقت کمتری برای درگیری در انحراف دارند. این عنصر بر این باور همگانی استوار است که دست‌های بیکار، کارگاه شیطان است (وگلد^۲، ۱۳۸۰، ص ۲۸۳). عنصر چهارم در این وابستگی اجتماعی «اعتقاد» است. براساس این عنصر هرچقدر اعتقاد و احترام انسان به رفتار درست، بیشتر باشد، احتمال تطابق او با این رفتار بیشتر خواهد بود (ویلیامز^۳، ۱۳۸۹، ص ۲۱۰).

نظریه روایت‌گری: در گفتگوی بزه‌دیده و بزهکار، آن چیزی که از بعد نظریه روایت‌گری و نقل داستان قابل توجه است مسئله روایت و شرح رخداد جنایی و نتایج آن بر زندگی بزه‌دیده و اطرافیان وی است. تأکید نظریه روایت‌گری، بر مجال و فرصت بیان مستقیم

داستان بزه‌دیدی و نتایج آن بر شخصیت بزهکار است که به ناگاه در سیر روایت و داستان ظاهر می‌شود. در فرآیند میانجی‌گری (نقل و بیان داستان بزه‌دیدی) واجد آثار روانی و حتی جسمی برای بزه‌دیده و بزهکار است. در واقع در این بین، آگاهی بزه‌دیده به این وضعیت از طریق مرور دوباره و روایت دوباره حادثه و کسب واکنش‌های دیگران به دست می‌آید و فرد، کنترل و هدف خویش را باز می‌یابد (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۹۲).

نظریه الغاگرایی سیستم کیفری: از آغاز سال ۱۹۷۰ در قلمرو جرم‌شناسی و سیاست جنایی جنبشی مطرح شده که نخست به صورت کیفرزدایی و جرم‌زدایی و سرانجام به شکل الغای سیستم کیفری خود را نشان داد. طرفدار اصلی جنبش الغای نظام کیفری لوک هولسمن^۱ است. وی معتقد است به منظور اجتناب از معایب و ایرادات فراوان نظام عدالت کیفری باید به جای حقوق کیفری از سیستمی استفاده شود که کمتر جنبه الزام و اجبار و رسواکنندگی داشته باشد. در این سیستم حقوق مدنی (با جبران) و حقوق اداری (با کنترل‌ها و ممنوعیت‌ها) برای تضمین حفظ حداقل نظم اجتماعی کفایت می‌کند (گسن، ۱۳۷۰، ص ۲۱).

نظریه عدالت و انصاف: نظریه انصاف، یک حساب‌گری آگاهانه کلی و سریع برای بزهکار و بزه‌دیده را بیان می‌کند که دو طرف در مقایسه بین دو روش دادرسی، روش ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر و عادلانه‌تر را برمی‌گزینند. در واقع فرض بر این خواهد بود که هرچه روش احیا و ترمیم توازن، کم‌هزینه‌تر باشد، احتمال استقبال و استفاده از آن بیشتر خواهد بود. در فرآیندهایی مانند میانجی‌گری، ورود انتخابی بزه‌دیده و بزهکار، منعکس‌کننده ترجیحی است که دو طرف دعوی آن را اتخاذ و آن را مبتنی بر عدالت و انصاف دانسته‌اند. عدالت و انصافی که از طرفی برای بزهکار و امکانات وی برای جبران و تصحیح خطاها، عادلانه، مناسب و غیر تحمیلی است و از طرفی بزه‌دیده به سطح بالاتری از انتظارات و نیازهای اساسی ایجاد شده در نتیجه جرم، نائل می‌شود (عباس‌زادگان، ۱۳۸۲، ص ۷۶).

نظریه شرم‌سازی باز اجتماعی کننده: این نظریه که در سال ۱۹۸۹ توسط جرم‌شناس استرالیایی به نام برایث ویت^۱ مطرح شد، بیانگر آن است که بزهکاران باید به طور مثبت و سازنده به وسیله خانواده‌ها، همسایگان، دوستان و همکاران شرم‌منده شوند؛ البته شرم‌منده‌سازی که شخصیت بزهکاران را لکه‌دار نکرده و آنان را با جامعه بیگانه نسازد و به عبارت دیگر باعث نفی و طرد آنان از جامعه نشود. بدین ترتیب این نظریه وجهه‌ای از ناکارایی مجازات‌ها و کارآمدی ابزارهای کنترل اجتماعی را در نیل به اهداف اساسی بازدارندگی و اصلاح و تربیت و باز اجتماعی کردن بزهکار مطرح می‌کند (عباس‌زادگان، ۱۳۸۲، ص ۹۳).

نظریه برجسب‌زنی: برجسب‌زنی، روندی است که طی آن جامعه عنوان منحرفانه را به شخص اطلاق می‌کند. این عمل باعث می‌شود که فرد از گروه یا جامعه طرد شده، هویت منفی در او نهادینه شود و انحراف در او تقویت شود (گسن^۲، ۱۳۷۰، ص ۱۰۴). در این نظریه اعتقاد اساسی بر آن است که واکنش‌های دیگران نسبت به ظاهر فرد، رفتار، اهداف و شخصیت فرد نقش مهمی در شکل‌گیری و تغییر هویت و اعمال وی ایفا می‌کند، این واکنش‌ها در کنار برداشت‌های خود شخص از نحوه ارزیابی دیگران هویتی مثبت و رفتارهایی شایسته یا برعکس، خود انگاره‌ای منفی و اعمالی ناشایست را در او می‌آفریند (گسن، ۱۳۷۰، ص ۱۰۷).

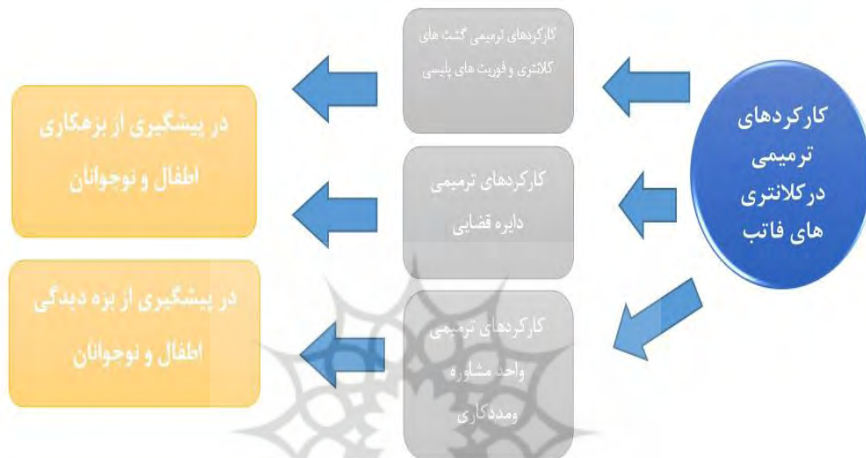
رویکرد ترمیمی پلیس در قبال جرائم کودکان (شرم‌سازی بازپذیرنده): با ظهور الگوی پلیس جامعه‌محور و تقویت مسئولیت‌پذیری این نهاد در برابر عوامل زیربنایی وقوع جرم و نیازهای جامعه، امیدهای جدیدی برای مشارکت فعال‌تر پلیس در اجرای برنامه‌های ترمیمی پدید آمده است. از اهداف پلیس ترمیمی برطرف کردن درگیری‌ها و حل مسائل پیش رو و ایجاد شرم‌سازی بازپذیرکننده در بزهکار است؛ یعنی در رویکرد ترمیمی، پلیس با درگیر

کردن بزه‌دیده، بزهکار، جامعه محلی و کلیه کسانی که از ارتکاب جرم متأثر شده‌اند، درصدد است به جای در مقابل هم قرار دادن افراد جامعه، آنها را به مشارکت در حل مسائل فراخوانده و با ایجاد محیطی متفاوت با آنچه در سیستم سنتی وجود دارد، به درگیری‌ها و کشمکش‌های بین افراد پایان داده و مسائل احتمالی را حل و فصل کند. بنابراین پلیس از طریق ایجاد شرمساری بازپذیرکننده در بزهکار، به دنبال ایجاد مسئولیت‌پذیری در وی است تا ضمن جبران خسارت وارده بر بزه‌دیده، بزهکار نیز اصلاح و به جامعه بازگردد و در نتیجه از تکرار جرم پیشگیری شود. بر این اساس از جمله اقداماتی که پلیس ترمیمی برای اجتناب از برچسب خوردن و ایجاد شرمساری در کودکان و نوجوانان بزهکار می‌تواند انجام دهد عبارت‌اند از: قضازدایی، بایگانی‌کردن پرونده و هشداردهی پلیس (صفری کاکرودی، ۱۳۹۶، ص ۷۳).

ساختار پلیس اطفال و نوجوانان در ایران: قانون‌گذار در ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ تأکید بر تأسیس پلیس ویژه اطفال و نوجوانان داشته است و وظایف و حدود اختیارات آن را موقوف به لایحه کرده است که از سوی قوه قضاییه تهیه می‌شود. در حال حاضر پیش‌نویس این لایحه تدوین و وظایف و اختیاراتی نیز برای پلیس پیش‌بینی شده که در قوه قضاییه در حال بررسی است. ولی با وجود این ماده، در تبصره‌های ماده ۲۸۵، پلیس از هرگونه اقدام در قبال اطفال و نوجوانان منع شده و کلیه وظایف آنان به دادسرا و دادگاه ویژه محول شده است. شایسته است قانون‌گذار در اسرع وقت با تصویب لایحه موصوف مانع سردرگمی پلیس و به دنبال آن مانع تضییع حقوق اطفال و نوجوانان شود (یاراحمدی، ۱۳۹۶، ص ۶۱). مطالعه ساختار پلیس اطفال و نوجوانان در کشورهای مختلف نشان می‌دهد روش یکسانی درخصوص چگونگی تأسیس تشکیلات پلیس اطفال و نوجوانان وجود ندارد. به نحوی که برخی کشورها ساختار مستقل و جداگانه‌ای را با عنوان پلیس ویژه اطفال ایجاد کرده‌اند اما برخی دیگر بر بکارگیری تعدادی پلیس متخصص و آموزش‌دیده در یگان‌های انتظامی اکتفا کرده‌اند. این در حالی است که در برخی دیگر از

کشورها بدون ایجاد تشکیلات پلیس اطفال، نهادهای حمایتی ویژه‌ای در خصوص اطفال و نوجوانان تشکیل شده است (وروایی و کشفی، ۱۳۹۳، ص ۴۴۹).

الگوی مفهومی پژوهش



روش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی - تحلیلی است و به روش پیمایشی انجام شد. داده‌های پژوهش به صورت میدانی و با ابزار پرسش‌نامه جمع‌آوری شد. جامعه آماری این پژوهش کارکنان بخش‌های مرتبط با موضوع پژوهش در سرکلانتری دوم فرماندهی انتظامی تهران بزرگ است. اندازه نمونه نیز براساس فرمول کوکران ۱۶۵ نفر تعیین و نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده با ضریب خطا ۰/۰۵ انجام شد. در این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، بعد از انتخاب خوشه‌ها، افراد به طور تصادفی از خوشه مربوطه انتخاب شدند. بدین ترتیب جامعه آماری به یازده کلانتری تقسیم شده و هر کلانتری به چهار طبقه براساس چهار گروه شغلی واحد مشاوره و مددکاری، دواير قضایی،

گشت‌های کلانتری و پاسگاه و فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مطرح شده در جامعه آماری تقسیم شدند. در ادامه عدد نمونه برحسب جمعیت هر گروه و خوشه تقسیم شده و عدد تخصیص یافته هر گروه به صورت تصادفی ساده از بین مجموعه انتخاب شد و از هر طبقه براساس درصد افراد عضو آن جامعه، تعدادی از کارکنان به صورت تصادفی انتخاب شدند. این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از دو روش کتابخانه‌ای (مباحث نظری) و میدانی (از طریق پرسش‌نامه محقق‌ساخته شامل ۲۵ گویه) استفاده شد.

روایی و پایایی پرسش‌نامه: به منظور برآورد روایی پرسش‌نامه از روایی محتوا استفاده شد. اگر پرسش‌های ابزار، معرف ویژگی‌ها و مهارت‌های ویژه‌ای باشد که پژوهشگر قصد اندازه‌گیری آنها را داشته باشد، آزمون دارای روایی محتوا است. برای تعیین روایی پس از تنظیم اولیه، به وسیله اساتید خبره با رشته مرتبط، بازنگری و نهایی شد.

جدول ۱. پایایی پرسشنامه

مؤلفه	تعداد پرسش	ضریب آلفای کرونباخ
گشت‌های کلانتری و فوریت‌های پلیسی	۹	۰/۸۵
واحد مشاوره و مددکاری	۸	۰/۸۲
دوایر قضایی	۸	۰/۸۷

یافته‌ها

جامعه آماری پژوهش، کارکنان سرکلانتری دوم فاتب بودند که در یازده کلانتری زیرمجموعه آن و در هر کلانتری در چهار گروه شغلی مشاوره و مددکاری، دوایر قضایی، گشت‌های کلانتری و پاسگاه و فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مشغول خدمت بودند. یافته‌های پژوهش درخصوص نظر پاسخگویان درباره تاثیر اقدامات ترمیمی پلیس در جدول ۲ درج شده است.

جدول ۲. نتایج پاسخ اعضای نمونه درباره اقدامات ترمیمی پلیس

تاثیر اقدامات ترمیمی پلیس	شاخص	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
	برگزاری نشست گروهی	۰	۰	۱/۹	۳۵/۲	۶۲/۹
	تلاش برای میانجی‌گری و برقراری مصالحه عادلانه بین طرفین دعوی	۰	۰	۱/۰	۲۱/۹	۷۷/۱
	گفتگو با طرفین و ارائه راهکارهای مهارتی	۰	۰	۱/۹	۲۵/۷	۷۲/۴
	برقراری ارتباط با دیگر سازمان‌ها در نهادهای دولتی و مردم‌نهاد و حمایتی و درمانی	۰	۱	۲۷/۶	۴۶/۷	۲۴/۸
واحد مشاوره و مددکاری اجتماعی	رعایت اصل بی‌طرفی و اصلاح ذات‌البین	۰	۰	۱/۰	۱۹/۰	۸۰/۰
	ارائه خدمات مشاوره‌ای برای کاهش زمینه‌های بروز بزه حضور وابستگان نزدیک بزهکار و بزه‌دیده در جلسات گروهی و خانوادگی	۰	۰	۲۳/۸	۴۵/۷	۳۰/۵
	ملاقات مستقیم بزهکار و بزه‌دیده و شنیدن علت ارتکاب بزه	۰	۰	۱/۰	۲۰/۰	۷۹/۰
	ارجاع مراجعات به مراکز مشاوره نیروی انتظامی	۰	۰	۲۱/۹	۵۰/۵	۲۷/۶
	ثبت شکایت بدون حضور والدین	۰	۰	۱۹/۰	۴۷/۶	۳۳/۳
	تفہیم حقوق قانونی در بدو ورود	۰	۰	۲۱/۹	۵۸/۱	۳۰/۰
دوایر قضایی	ارجاع جرائم قابل گذشت به واحد مشاوره توسط دایره قضایی	۰	۰	۱/۰	۱۸/۱	۸۱/۰

تاثیر اقدامات ترمیمی پلیس	شاخص	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
	حمایت لازم در برابر تهدیدات احتمالی بزهکار	.	.	۳/۸	۵۳/۳	۴۲/۹
	انجام مصاحبه و بازجویی با استفاده از دوربین‌های مدار بسته و ضبط صوت	.	.	۲۲/۹	۴۳/۸	۳۳/۳
	استفاده از پلیس زن در مصاحبه و بازجویی	.	.	.	۲۵/۷	۷۴/۳
	تغییر مسیر و قضازدایی توسط دایره قضایی	.	.	۴/۸	۴۷/۶	۴۷/۶
	اقدام به صلح و سازش و بایگانی کردن پرونده توسط دایره قضایی	.	.	۵/۷	۴۲/۹	۵۱/۴
	میانجی‌گری اولیه واحدهای گشتی در لحظه اولیه درگیری در محل وقوع	.	۱	۸/۶	۳۷/۱	۵۳/۳
	اطلاع‌رسانی به خانواده‌ها	.	۱	۱۰/۵	۴۲/۹	۴۵/۷
	بهبود شرایط جسمی و روحی مشارکت‌دادن شهروندان و معتمدان	.	.	۳/۸	۱۷/۱	۷۹/۰
گشت‌های کلانتری و فوریت‌های پلیسی ۱۱۰	محلی توسط گشت‌ها در حل و فصل اختلاف بین بزهکار و بزه‌دیده در محل وقوع جلب رضایت والدین در ترمیم ضررهای مادی و معنوی در محل وقوع انتقال بزهکار و بزه‌دیده و تحویل به واحد مشاوره و مددکاری	.	۱	۱۹/۰	۵۳/۳	۲۶/۷
	اعتماد بزه‌دیده و بزهکار به مأموران حضور به موقع مأموران در محل وقوع	.	.	۵/۷	۲۰/۰	۷۴/۳
		.	.	۱۲/۴	۵۲/۴	۳۵/۲

براساس جدول ۲، در تمام شاخص‌های مربوط به سه اقدام ترمیمی، بیش از ۷۰ درصد پاسخ‌ها اختصاص به گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد دارد. بنابراین از نظر اعضای پژوهش، تمام اقدامات ترمیمی یادشده در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان موثر هستند.

بررسی نرمال بودن متغیرها: لازمه استفاده از آزمون تی، نرمال بودن متغیرها است که به منظور تأیید آن از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول ۳ درج شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن متغیرها

متغیر	آماره Z	سطح معنی‌داری
واحد مشاوره و مددکاری	۱/۰۱۵	۰/۰۸۲
دوایر قضایی	۱/۳۴۸	۰/۰۵۳
گشت‌های کلانتری و فوریت‌های پلیسی	۰/۹۳۴	۰/۳۴/۷

۸۳

با توجه به کمتر از ۰/۰۵ بودن سطح معنی‌داری در تمام متغیرهای جدول ۳، فرضیه نرمال بودن آنها پذیرفته شد.

فرضیه فرعی ۱: کارکردهای ترمیمی گشت‌های کلانتری‌ها و ۱۱۰ در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان موثر است.

نتیجه آزمون تی تک نمونه‌ای در خصوص فرضیه نخست در جدول ۴ ارائه شده است. فرضیه صفر در این آزمون، متوسط (مقدار ۳) بودن میزان تأثیر است.

جدول ۴. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای درباره تأثیر اقدامات ترمیمی گشت‌های کلانتری و ۱۱۰

فاصله اطمینان	میانگین	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	کران کران پایین بالا
کارکردهای ترمیمی گشت‌های کلانتری‌ها و ۱۱۰	۴/۵۰۱	۵۸/۳۸۵	۱۶۴	۰/۰۰۰	۱/۴۵۰ ۱/۵۵۱

در جدول ۴، مقدار تی محاسبه شده $58/385$ با سطح معنی‌داری صفر است. با توجه به کوچکتر بودن سطح معنی‌داری از خطای $0/05$ فرضیه صفر مبنی بر متوسط بودن میزان تأثیر رد می‌شود. از طرفی، با توجه به مثبت بودن کران‌های پایین و بالای اطمینان، میزان تأثیر بیشتر از متوسط و در سطح زیاد برآورد می‌شود. به عبارت دیگر با اطمینان ۹۵ درصد، از نظر اعضای جامعه آماری، کارکردهای ترمیمی گشت‌های کلانتری‌ها و ۱۱۰ در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان موثر است.

فرضیه فرعی ۲: کارکردهای ترمیمی واحدهای مشاوره و مددکاری کلانتری‌ها در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان موثر است.

جدول ۵: آزمون تی تک نمونه‌ای درباره تأثیر اقدامات ترمیمی مشاوره و مددکاری اجتماعی

فاصله اطمینان		سطح معنی‌داری	درجه آزادی	مقدار تی	میانگین
کران بالا	کران پایین				
					کارکردهای ترمیمی واحدهای مشاوره و مددکاری کلانتری‌ها
۱/۴۴۷	۱/۳۱۵	۰/۰۰۰	۱۶۴	۴۱/۳۶۹	۴/۳۸۱

همان طور که در جدول ۵ آمده است، مقدار تی محاسبه شده کوچکتر از سطح معنی‌داری است. از طرفی، با توجه به مثبت بودن کران‌های پایین و بالای اطمینان، میزان تأثیر بیشتر از متوسط و در سطح زیاد برآورد می‌شود. به عبارت دیگر با اطمینان ۹۵ درصد، از نظر اعضای جامعه آماری، کارکردهای ترمیمی واحدهای مشاوره و مددکاری کلانتری‌ها در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان موثر است.

فرضیه فرعی ۳: کارکردهای ترمیمی دایره قضایی کلانتری‌ها در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان موثر است. نتیجه آزمون تی تک نمونه‌ای در خصوص فرضیه سوم در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای درباره تأثیر اقدامات ترمیمی دایره قضایی

فاصله اطمینان	سطح	درجه	میانگین	مقدار تی	آزادی	معنی‌داری	کران پایین	کران بالا
گشت‌های کلانتری و پاسگاه‌ها	۰/۰۰۰	۱۶۴	۴/۵۷۴	۵۶/۷۵۶	۱/۵۱۹	۱/۶۲۹		

در جدول ۶، مقدار تی محاسبه شده ۵۶/۷۵۶ با سطح معنی‌داری صفر است. با توجه به کوچکتی بودن سطح معنی‌داری از خطای ۰/۰۵ فرضیه صفر مبنی بر متوسط بودن میزان تأثیر رد می‌شود. از طرفی، با توجه به مثبت بودن کران‌های پایین و بالای اطمینان، میزان تأثیر بیشتر از متوسط و در سطح زیاد برآورد می‌شود. به عبارت دیگر با اطمینان ۹۵ درصد، از نظر اعضای جامعه آماری، کارکردهای ترمیمی دایره قضایی کلانتری‌ها در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان موثر است.

رتبه‌بندی اقدامات: به منظور رتبه‌بندی اقدامات موثر بر پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان از لحاظ میزان تأثیر، از آزمون رتبه‌ای فریدمن استفاده شد. نتایج رتبه‌بندی در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷. نتیجه آزمون فریدمن درباره رتبه‌بندی

رتبه	میانگین رتبه‌ای	مؤلفه	سطح معنی‌داری	آماره مربع کا
۱	۲/۶۹	واحد مشاوره و مددکاری	۰/۰۰۰	۴۷/۸۶۳
۳	۱/۹۴	دوایر قضایی		
۲	۲/۳۰	گشت‌های کلانتری فوریت‌های پلیسی ۱۱۰		

براساس جدول ۷، سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ است که به معنی تفاوت در رتبه‌ها است. از طرفی براساس میانگین رتبه‌ای محاسبه شده می‌توان اظهار داشت که از نظر اعضای جامعه آماری پژوهش، اقدامات واحدهای مشاوره و مددکاری بیشترین تأثیر و اقدامات

دوایر قضایی کمترین تأثیر را بر پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان دارند.

آزمون فرضیه‌ها: آزمون فرضیه‌ها حاکی از تأیید فرضیه‌های پژوهش است. نتایج نشان می‌دهد بیشتر افراد براساس میانگین رتبه‌ای محاسبه شده از میان کارکردهای واحد مشاوره و مددکاری «حضور وابستگان نزدیک بزهکار و بزه‌دیده در جلسات گروهی، خانوادگی» بیشترین تأثیر و «برقراری ارتباط با دیگر سازمان‌ها در نهادهای دولتی و مردم‌نهاد و حمایتی و درمانی» کمترین تأثیر را در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان را دارند. همچنین براساس میانگین رتبه‌ای می‌توان گفت که از میان کارکردهای دوایر قضایی «ارجاع جرائم قابل گذشت به واحد مشاوره» بیشترین تأثیر و «تفهیم حقوقی قانونی در بدو ورود» کمترین تأثیر را در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان دارند.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که براساس میانگین رتبه‌ای می‌توان گفت که از میان کارکردهای گشت‌های کلانتری «انتقال بزهکار و بزه‌دیده توسط گشت و ارجاع آن به واحد مشاوره» بیشترین تأثیر و «اعتماد بزه‌دیده و بزهکار واحد گشت کلانتری در محل وقوع جرم» کمترین تأثیر را در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان دارند. با توجه به نتایج به دست آمده براساس میانگین رتبه‌ای محاسبه شده می‌توان گفت که از میان کارکردهای گشت‌های کلانتری و فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ «جلب رضایت والدین در ترمیم ضررهای مالی و معنوی در محل وقوع» بیشترین تأثیر و «انتقال بزهکار و بزه‌دیده توسط مأموران گشت و تحویل به واحدهای مشاوره و مددکاری» کمترین تأثیر را در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

در جوامع سنتی عموم مردم اجراشدن عدالت را در مفهوم سزادهی جستجو و بزهکار را مستحق کیفر متناسب با شدت بزه می‌دانند. عدالت ترمیمی موجب کاهش تراکم پرونده‌ها و

کاهش هزینه‌های بزه‌دیده و درباره متهم باعث فراهم شدن زمینه برای تسریع باز اجتماعی شدن او می‌شود. مصالحه و حفظ حقوق بزه‌دیده، حفظ حقوق بزهکار، پیروی از اصل پذیرفتن مسئولیت توسط بزهکاران اعاده نظم از دست رفته جامعه از طریق باز اجتماعی شدن بزهکار و ترمیم روابط خدشه‌دار شده بین کنشگران جرم، از جمله اهداف میانجی‌گری است. نتایج آزمون فرضیه اول حاکی از اثرگذاری کارکردهای ترمیمی گشت‌های کلاتری و فوریت‌های ۱۱۰ در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان است که نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش درویشی و جلیلیان (۱۳۹۴) همسو است.

نتیجه آزمون فرضیه دوم حاکی از تأثیرگذاری کارکردهای ترمیمی واحد مشاوره و مددکاری در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان است که نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش بارانی (۱۳۹۳) همسو است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پلیس با وجود نداشتن اختیارات مکفی قانونی در میانجی‌گری کیفری، برخوردار نبودن از ساختار یا سازمان مناسب میانجی‌گری و فقدان آموزش‌های نوین و فقدان شیوه‌نامه اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی و میانجی‌گری کیفری، توانسته است براساس دانش تجربی کارکنان دایره مشاوره و مددکاری اجتماعی، میانجی‌گری را به صورت خودجوش و با رعایت بیش از نیمی از اصول حاکم بر عدالت ترمیمی اجرا کند. اما این توفیق تجربی نیازمند تقویت تفنینی، اجرایی و آموزشی و تلاش برای بیشتر زنده کردن باورهای نهفته عدالت ترمیمی و میانجی‌گری کیفری در ذهن کارکنان پلیس و شهروندان دارد. نتایج آزمون فرضیه سوم حاکی از اثرگذاری کارکردهای ترمیمی دوایر قضایی در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان است که نتیجه به دست آمده با نتایج پژوهش محمدی (۱۳۹۳)، مشابهت دارد.

مهمترین دایره در این راستا دایره مددکاری اجتماعی است زیرا مراجعه‌کنندگان در بحث بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان از ابتدا تا انتهای پرونده با این دایره در تعامل هستند و به همین دلیل در تمام جرائم، تخلفات و رفتارهای منحرفانه اطفال و نوجوانان درگیر و درصدد صلح و سازش میان طرفین با اهداف و کارکردهای عدالت ترمیمی است.

این خواسته و گاهی اصرار مقامات قضایی به نوعی یادآور موضوع میانجی‌گری در عدالت ترمیمی است و باعث سنگین‌تر شدن بار وظیفه و مسئولیت کارکنان دواير قضایی و اجتماعی کلانتری‌ها می‌شود. حال آنچه که در این میان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است آشنایی کارکنان دواير مختلف کلانتری با برنامه میانجی‌گری است. این مهم این فرصت و اجازه را به کارکنان کلانتری می‌دهد که میان بزهکار و بزه‌دیده با اجرای صحیح برنامه‌های عدالت ترمیمی در راستای اهداف عدالت ترمیمی در برقراری صلح و سازش اقدامات موثری داشته باشند.

با ظهور الگوی پلیس جامعه‌محور و تقویت مسئولیت‌پذیری این نهاد و در برابر عوامل زیربنایی وقوع جرم و نیازهای جامعه، نقش پلیس ترمیمی در شرمساری بازپذیرنده، امیدهای جدیدی برای مشارکت فعال‌تر پلیس در اجرای برنامه‌های ترمیمی به وجود آورده است. برخلاف رویکردهای سنتی پلیس که به این نهاد تنها به عنوان بازوی عدالت کیفری برای کشف جرم و دستگیری مجرمان می‌نگرد الگوی پلیس جامعه‌محور به دنبال دستیابی به درک و شناخت کافی از جامعه و حل و فصل اجتماعی مرتبط با جرم از رهگذر مشارکت مدنی است. از این دیدگاه نوعی همگرایی میان رویه‌های پلیس جامعه‌محور با ارزش‌های عدالت ترمیمی به چشم می‌خورد که می‌تواند منجر به تشکیل پلیس ترمیمی شود.

یکی از بیشترین و نام‌آشنا‌ترین مراکزی که باعث تعامل شهروندان به ویژه کنشگران پدیده جنایی با یگان‌های انتظامی شده است، مراکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ است. از جمله اهداف تشکیل این مرکز در نیروی انتظامی رسیدگی فوری به حداقل جرائمی است که توسط شهروندان به آن مرکز اعلام می‌شود. جهت این کار گشت‌هایی از بدنه کلانتری‌ها به این امر (گشت‌های پلیس ۱۱۰) اختصاص داده شده‌اند که می‌توانند به عنوان یک عامل میانجی‌گر و تاثیرگذار وارد عمل شده و چه بسا در جرائم کم اهمیت موضوع را در همان صحنه جرم حل و فصل کرده و صورتجلسه سازش را تنظیم کنند یا حداکثر طرفین را به مراکز انتظامی هدایت و در آنجا با اجرای یک برنامه حساب شده و نظام‌مند میانجی‌گری توسط دواير

مربوطه به ویژه دایره مددکاری و مشاوره کلانتری‌ها شرایط را برای جبران خسارت‌های بزه‌دیده توسط بزهکار فراهم کرده و بین طرفین صلح و سازش برقرار کنند.

پیشنهادها

اگرچه با مطالعه ساختار نظام پلیسی ایران و بررسی قوانین مربوطه نظیر قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۷۰، قانون حمایت از کودکان مصوب سال ۱۳۸۱ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب قبل از سال ۱۳۹۲ مشاهده می‌شود که در زمینه موضوع پژوهش حاضر، سکوت اختیار شده ولی با تغییرات انجام گرفته در قوانین جدید ملاحظه می‌شود گامی مثبت برای حمایت از برنامه‌های عدالت ترمیمی در پلیس ایران و اختیارات و وظایف پلیس در خصوص اطفال و نوجوانان برداشته شده است که بر این اساس، پیشنهادهایی ارائه می‌شود:

الف. پیشنهادهای تقنینی:

- ۱- اعطا و واگذاری نقش پلیس ترمیمی و جامعه‌محور به پلیس توسط قانون‌گذار و مشخص کردن اختیارات وی درباره میانجی‌گری کیفری به ویژه در جرائم اطفال و نوجوانان تا ضمن کاهش پرونده‌های قضایی و کاهش اطاله دادرسی، موجب افزایش رضایت‌مندی شود؛
- ۲- قانونی کردن ساختار مشاوره و مددکاری اجتماعی پلیس که تاکنون تشکیل آن ناشی از اراده نیروی انتظامی بوده و نه قانون، تا این دایره بتواند نقش پلیس ترمیمی و جامعه‌محور را قانونی اجرا کند؛
- ۳- قانونمند کردن و اعتماد دستگاه قضایی به اقدامات میانجی‌گری کیفری در دوایر مشاوره و مددکاری کلانتری‌ها و توجه به نتیجه توافقی‌ها و پذیرش گزارش مأمور در خصوص صلح و سازش برای تخفیف و تعلیق مجازات؛
- ۴- اعطای اختیار قانونی به پلیس برای بایگانی کردن پرونده‌های جرائم با دادن حق اعتراض برای ذینفعان برای از سرگیری رسیدگی به پرونده‌های بایگانی شده می‌تواند در ایجاد یک پلیس ترمیمی و جامعه‌محور نقش اساسی داشته باشد.

ب. پیشنهادهای تعاملی:

۱- استفاده از پلیس ترمیمی که با کمک روش‌های ترمیمی مانند میانجی‌گری، حلقه‌های نشست محلی، جلسات گروهی خانوادگی بتواند اختلافات را حل و فصل کند و از ورود کودک بزهکار به دستگاه قضایی و مراسم برچسب‌زنی اجتناب شود و شرمساری بازپذیرکننده موجب پیشگیری از تکرار جرم شود. بنابراین تبصره ماده ۱۲ آیین‌نامه میانجی‌گری که برخلاف رویکرد کشورهای دنیا، ضابطان را از میانجی‌گری منع کرده است، اصلاح شود و اگر مشکلاتی در واحد مشاوره و مددکاری اجتماعی وجود دارد باید این مشکلات رفع شود نه اینکه از بهره‌مندی پلیس ترمیمی در پیشگیری از جرائم اطفال محروم شویم؛

۲- واگذاری اختیاراتی خاص به نیروهای پلیس متناسب با اصول و اهداف برنامه‌های عدالت ترمیمی در قبال کودکان؛

۳- با قانونی شدن پلیس ترمیمی همان‌طور که در قانون آیین دادرسی کیفری حضور مشاور با تخصص‌های روان‌شناسی، جرم‌شناسی و مانند آن در دادگاه‌ها ضروری شناخته شده پیشنهاد می‌شود که حضور این افراد در کلانتری‌ها و در معیت دایره مشاوره و مددکاری اجتماعی الزامی شود.

پ. پیشنهادهای آموزشی - فرهنگی:

۱- برای ارتقای مهارت اجرای نقش پلیس ترمیمی، در برنامه‌های آموزشی پلیس در خصوص مفاهیم اولیه عدالت ترمیمی واحدهایی تعیین و گذرانده شود؛

۲- فرهنگ‌سازی برنامه‌های میانجی‌گری کیفری و تسهیل دستاوردهای آن در بین فرماندهان و رؤسای کلانتری‌ها؛

۳- فرهنگ‌سازی فرآیندهای ترمیمی در جامعه توسط معاونت اجتماعی نیروی انتظامی و اعتمادسازی شهروندان نسبت به این واحد.

منابع

- اشرفی، علی. (۱۳۹۵). پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در دادرسی کیفری ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری قوه قضاییه، تهران.
- بارانی، محمد و کشفی، سیدسعید. (۱۳۹۱). آیین دادرسی کودکان و نوجوانان با تأکید بر نقش پلیس. تهران: معاونت تربیت و آموزش نیروی انتظامی.
- بارانی، محمد. (۱۳۹۳). شیوه‌های رفتاری پلیس با کودکان و نوجوانان. تهران: معاونت تربیت و آموزش نیروی انتظامی.
- بارانی، محمد؛ یاراحمدی، مسعود. (۱۳۹۴). ارزیابی اصولی عدالت ترمیمی در میانجی‌گری پلیس، مطالعات پیشگیری از جرم.
- حسینوند، موسی. (۱۳۹۴). میانجی‌گری کیفری در پرتو عدالت ترمیمی. تهران: نشر مجد.
- حیدری، الهام؛ صفری کاکرودی، عابدین. (۱۳۸۸). جایگاه پلیس در حمایت از اطفال بزه‌دیده، مجموعه مقاله‌های برگزیده همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان، دانشگاه علوم انتظامی، تهران.
- دالوندی، زهرا. (۱۳۸۸). نقش پلیس در فرآیند دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- درویشی، بابک؛ جلیلیان، محمدرضا. (۱۳۹۴). میانجی‌گری کارآمدترین روش جایگزین حل اختلاف برای تحقق عدالت ترمیمی. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، ۸(۲۷)، صص ۱۷۲-۲۰۵.
- رایجیان اصلی، تندر. (۱۳۹۴). نقش و کارکرد واحدهای مشاوره و مددکاری نیروی انتظامی در پیشگیری از جرم از طریق تدابیر عدالت ترمیمی. زیر نظر محمد فرجیها. تهران: نشر میزان.
- صفری کاکرودی، عابدین؛ ابراهیمی، نصیبه؛ کلانتری، کیومرث. (۱۳۹۶). کارکردشناسی پلیس سنتی و ترمیمی در شرمساری کودکان و نوجوانان بزه‌کار. دانش انتظامی، ۱۹(۴)، صص ۶۱-۸۸.
- عباس‌زادگان، مصطفی. (۱۳۸۲). عدالت ترمیمی دیدگاه نوین عدالت کیفری، پژوهش حقوق و سیاست، ۹(۹)، صص ۸۵-۱۲۸.
- غلامی، حسین. (۱۳۸۵). عدالت ترمیمی. تهران: انتشارات سمت.
- غلامی، حسین. (۱۳۹۰). عدالت ترمیمی. تهران: نشر میزان.
- فتح‌الهی، سیامک. (۱۳۸۸). پلیس و شیوه‌های نوین پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان (مطالعه موردی در چند کشور جهان). همایش پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری نیروی انتظامی.

فرهمنده، مجتبی. (۱۳۹۶). *جلوه‌های عدالت ترمیمی در حقوق ایران*. تهران: نشر میزان.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲.

قانون تشکیل دادگاه‌های اطفال بزهکار مصوب سال ۱۳۳۸.

کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹.

گسن، ریموند. (۱۳۷۰). *جرم‌شناسی کاربردی*. مهری کی‌نیا، مترجم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

محمدی، مهدی. (۱۳۹۳). بررسی اهمیت اجرای عدالت ترمیمی در کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها. *دانش انتظامی، خراسان رضوی*، ۶(۲۵)، صص ۴۷-۶۶.

موذن‌زادگان، حسنعلی. (۱۳۸۷). سیر تحول قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان در حقوق ایران. *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۲(۶۲)، صص ۱۵-۴۰.

نجفی ابرندآبادی، حسین. (۱۳۸۴). میزگرد عدالت برای بزه‌دیدگان. *مجله حقوقی دادگستری*، ۶۹(۵۲ و ۵۳)، صص ۸-۷۲.

وروایی، اکبر و کشفی، سیدسعید. (۱۳۹۳). رویکرد تطبیقی به ساختار، صلاحیت و برنامه‌های پلیس ویژه اطفال و نوجوانان. *مجموعه مقالات برگزیده همایش پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری نیروی انتظامی*.

ولد، جرج. (۱۳۸۰). *جرم‌شناسی*. حمیدرضا ملوک محمدی، مترجم. تهران: انتشارات سمت.

هدایت، هدیه. (۱۳۹۶). *آیین دادرسی ویژه کودکان بزه‌دیده*. تهران: نشر میزان.

یاراحمدی، حسین. (۱۳۹۶). *سیاست جنایی اجرایی پلیس ایران در قبال اطفال و نوجوانان: (چالش‌ها و راهکارها)*. رساله دکتری. دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

Thaxter, Ken. (2010). *Cyber Bullying: Challenges and Strategies Faced by Juvenile Police Officers*. Department of Police. Town of West Bridgewater. West Bridgewater.

Kestutis, Vitkauskas. (2013). *Activity of Preventive Subdivisions of Public police in Implementation of prevention of Juvenile Delinquency*. Aseities str.20.LT-08303

Hazel. (2008). *Cross-national comparison of youth justice*. London: Youth justice Board.

Braithwaite, J. (2002). *Restorative justice and responsive regulation*. Oxford: Oxford University Press.

Bridges, Muriel. (1994). *Monty Merritt. Police discretion Nile Officers*. Department of Public Safety. Multnomah County. Oregon. Portland State University.

Winfrey, L. Thomas. (2004). *New Zealand Police and Restorative Justice Philosophy*. *Crime & Delinquency*, 50(2), pp 189-213.

